

مقاله پژوهشی

«این گنج طلسم دارد»: بررسی انسان‌شناختی دلایل ناکامی

گنج‌یابی در باورهای مردم مازندران

امیر هاشمی مقدم^۱، نرگس درویشی^۲، سارا اشرفی‌نیا^۳، حنا ساورسفلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۹

چکیده

در سالیان اخیر و به‌واسطه گسترش خرید و فروش دستگاه‌های معروف به گنج‌یاب و همچنین تبلیغات گسترده در فضای مجازی، بسیاری از افرادی که سودای ثروتمند شدن یک‌شبه را دارند، به سمت گنج‌یابی و حفاری غیرمجاز روی آورده‌اند. این فعالیت‌ها که عمدتاً همراه با تخریب گسترده میراث فرهنگی و طبیعی کشور است، کمتر به دستاورد مورد نظر گنج‌یابان می‌انجامد. در میان دلایل بسیاری که برای این ناکامی‌ها بیان می‌شود، طلسم بودن گنج و محافظت از آن از سوی نیروهای ماوراءطبیعی (همچون روح و جن) بیش از دیگر دلایل تکرار می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال فهم دلیل کاربرد این دسته از توجیهاات (که ما همه آنها را زیر عنوان جادو قرار می‌دهیم) در ناکامی گنج‌یابان هستیم. با یاری گرفتن از دیدگاه‌های مارسل موس درباره چپستی جادو و دیدگاه مالینوسکی درباره کارکرد آن، به تحلیل این باورها پرداخته‌ایم.

برای این کار، با ۲۸ نفر از مازندرانی‌های باورمند به گنج مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند و عمیق انجام دادیم. توزیع جغرافیایی این پاسخگویان تقریباً سراسر مازندران (از کیاسر و ساری در شرق تا متلقو در غرب این استان)، توزیع سنی از ۲۱ ساله تا ۷۱ ساله و توزیع جنسیتی هم هر دو گروه زن (۸ نفر) و مرد (۲۰ نفر) را در برمی‌گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد فعالیت گنج‌یابی دارای دو بعد علمی و جادویی است. در بعد علمی، با یاری گرفتن از اطلاعات تاریخی، نقشه و دستگاه گنج‌یاب، به حفاری می‌پردازند؛ اما هنگامی که با ناکامی روبرو می‌شوند، به باورهای جادویی که مناسب وضعیت‌های غیرمطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیر است متوسل می‌شوند. از نگاه باورمندان، نیروهای جادویی در موقعیت‌هایی همچون پنهان کردن مکان گنج، جابه‌جایی آن پیش از دسترسی حفاران، آسیب رساندن به حفاران هنگام کشف گنج و نهایتاً بد شگون بودن در صورت استخراج و استفاده از گنج، فعال می‌شوند. **کلیدواژه‌ها:** گنج، مازندران، جادو، حفاری غیرمجاز، مارسل موس، برانیسلاو مالینوسکی.

۱ استادیار انسان‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

moghaddames@umz.ac.ir

narges.darvishi@gmail.com

saraashrafi1881@gmail.com

hananeh.savarsofla@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جستجو برای گنج و فعالیت‌های گنج‌یابی اگرچه پیشینه‌ای دراز دارد، اما در دوران مدرن رواج گسترده‌ای در سراسر جهان یافت (دیلینگر، ۲۰۱۲: ۱۹۴). هرچه آثار تاریخی و میراث بازمانده از دوران گذشته بیشتر باشد، احتمال فعالیت حفاران غیرمجاز در آن منطقه نیز بیشتر است؛ این امر می‌تواند در شرایطی که امکان حفاظت از آثار تاریخی محدود یا ناممکن باشد، به آسیب و نابودی این آثار منجر شود. برای نمونه، ایران به‌عنوان سرزمینی کهن، در جای جای خود یادبود و یادگارهایی از ده‌ها تمدن کهن و هزاران بنا و اثر تاریخی دارد؛ به گونه‌ای که حدود ۳۶ هزار اثر ثبت ملی شده داریم. با این وجود کارشناسان بر این باورند که شمار آثار، محوطه‌ها و بناهای تاریخی ایران بیش از یک میلیون باشد.^۱ وجود این همه اثر تاریخی از یک‌سو و کمبود امکانات نظارتی و نیروهای حافظ میراث فرهنگی از سوی دیگر باعث شده امکان کنترل و مراقبت همیشگی از این آثار وجود نداشته باشد. در این زمینه به جز آسیب‌های طبیعی (همچون گزندهای باران، زلزله و سیل) وارده بر این آثار، آسیب‌های انسانی همچون فعالیت‌های غیرمجاز حفاران و گنج‌یابان، نقشی برجسته در ویرانی و نابودی شماری از این آثار دارند. بر پایه گزارش‌های رسمی، سالانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ گنج‌یاب و حفار غیرمجاز در ایران بازداشت می‌شوند که «تخلفات آنها شامل حفاری‌های غیرمجاز، تخریب آثار باستانی و خرید و فروش اشیای کشف‌شده بدون مجوز قانونی است».^۲

مازندران، با توجه به پیشینه تاریخی ویژه‌اش و شرایط طبیعی خاص خود، یکی از مناطقی است که در سال‌های اخیر، فعالیت حفاران غیرمجاز شدت فراوانی یافته است. این حفاری‌ها عموماً در بناهای آرامگاهی شاهان محلی (همچون ملک کیومرث در روستای هزارخال)، شاهزادگان محلی (همچون پادوسپانان در کمرو دبلده)، عرفا (همچون شاه‌بالو در چمستان)، امامزادگان، تکایا و مساجد قدیمی، دژها و قلعه‌ها (همچون اسپهد خورشید و کنگلو)، غارهای پیش از تاریخ (همچون هوتو، کمر بند و کمیشان)، سایت‌های پیش از تاریخ (همچون قلعه‌کش)، سایت‌های تاریخی (همچون ناتل)، ویرانه‌های روستایی (همچون کالج نور) و هر

۱ آمارهای موجود در این زمینه صرفاً از سخنرانی‌ها و گفته‌های مسئولان و یا وب‌سایت‌های خبری قابل دریافت است و در هیچ منبع مستندی، حتی وب‌سایت وزارت میراث فرهنگی نیز در دسترس نیست.

2 <https://www.rokna.net/fa/tiny/news-1051909>

کجایی که ردی از تاریخ باشد انجام می‌شود؛ اما فقط به آنها بسنده نمی‌شود، بلکه در جای جای جنگل‌ها، پای سنگ‌های بزرگ در کوه‌ها، زیر درختان کهنسال، پای چشمه‌ها و هر جایی که احساس کنند کمی وضعیت و ظاهرش با اطراف متفاوت است نیز می‌توان چاله‌هایی که توسط حفاران غیرمجاز به امید یافتن گنج کنده شده را دید.

با این وجود، بیشتر این حفاری‌ها بدون دست یافتن به آنچه انتظارش را داشتند، صرفاً همان آسیب‌ها و ویرانی‌ها به آثار تاریخی، و آسیب‌های مالی و خانوادگی به حفاران را در پی دارد. در میان دلایلی که حفاران و گنج‌یابان برای ناکامی خود بیان می‌کنند، سر رسیدن پلیس یا ماموران میراث فرهنگی، با خبر شدن اهالی منطقه و جلوگیری از ادامه حفاری، اختلاف بین شرکای حفاری و ناتمام ماندن فعالیت‌شان جزو دلایل اصلی است. اما بیش و پیش از همه این دلایل، وجود طلسم و دخالت نیروهای ماوراءطبیعی اصلی‌ترین دلیل این ناکامی‌هاست که به فراوانی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در نگاه بسیاری از مردم، گنج‌ها دارای طلسم‌های گوناگون هستند و دسترسی به آنها جز با داشتن دعا و طلسم قوی و مرتبط امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر با توجه به آنکه بیشتر قریب به اتفاق حفاران و گنج‌یابان نیز همیشه با دست خالی برمی‌گردند، آنان نیز دلیل ناکامی خود را وجود طلسم گنج می‌دانند که امکان دسترسی به آنرا برای‌شان ناممکن کرده یا در لحظه نزدیک شدن به گنج، جابه‌جا شده است. بنابراین پرسش پژوهش کنونی این است که چرا باورهای جادویی درباره گنج‌ها و گنج‌یابی در مازندران اینچنین پر رنگ است و راز دست‌یابی یا ناکامی در دست‌یابی به گنج را به جادو گره می‌زنند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در ایران درباره حفاری غیرمجاز انجام شده، بیشتر به مسائل حقوقی این عمل پرداخته است (برای نمونه: غنی کله‌لو. ۱۳۸۸؛ شفیعا. ۱۴۰۲؛ شاکری و خدابخشی. ۱۳۹۰؛ رضایی‌راد و همکاران. ۱۴۰۱). البته معدودی از این پژوهش‌ها هم به یافته‌های حفاران غیرمجاز اختصاص داشته است (برای نمونه: خلیلی و رضایی. ۱۳۹۸). هیچ پژوهشی در ایران تاکنون درباره ابعاد فرهنگی و اجتماعی حفاری غیرمجاز و گنج‌یابی به‌طور عام، و باورهای

مربوط به گنج به طور خاص انجام نشده است. اما در کشورهای دیگر می‌توان به پژوهش‌هایی اندک‌شمار در این زمینه رسید.

ژوهانس دیلینگر^۱ (۲۰۱۲) در کتاب «گنج‌یابی جادویی در اروپا و امریکای شمالی»^۲ با نگاه انسان‌شناختی نسبت میان جستجوی گنج با جهان ماوراء را در اروپا و امریکای شمالی اوایل دوران مدرن نشان می‌دهد. بر پایهٔ یافته‌های اسنادی او، کار گنج‌یابی بیشتر یک کار گروهی بود که معمولاً یک جادوگر آشنا با طلسم‌های گنج در میان آنان حضور داشت؛ چرا که بسیاری از گنج‌ها دارای نگهبان بودند. برای نمونه، وجود روح سرگردان صاحب گنج ممکن است در نزدیکی محل آن گزارش شود. از آنجا که در متن اصلی پژوهش به این اثر دیلینگر ارجاعات زیادی داده می‌شود، در اینجا توضیح بیشتری دربارهٔ این کتاب ارائه نمی‌شود.

اوندر چلیک^۳ (۲۰۲۰) در پایان‌نامه دکترای انسان‌شناسی‌اش با نام «زندگی زیرزمین: حفاری برای گنج‌های ارمنی‌ها در چشم‌انداز پسا-قتل‌عام»^۴ که در دانشگاه جان هاپکینز نوشته، با روش مردم‌نگاری به دنبال یافتن روایت‌های گنج‌یابان در منطقهٔ وان ترکیه است. پس از نسل‌کشی ارمنه توسط عثمانی‌ها در سال ۱۹۱۵، روایتی میان شهروندان ترکیه شکل گرفت که ارمنی‌ها پیش از کشتار در خانه‌های‌شان یا هنگام کوچ اجباری منتهی به کشتار در مسیر و حتی در گورهای دسته‌جمعی، آثار ارزشمندشان همچون طلا و جواهرات را پنهان می‌کردند. بنابراین جویندگان طلا در پی این آثار اقدام به حفاری مکان‌هایی که گمان می‌رود ردی مربوط به این پنهان‌سازی‌های ارمنی‌ها داشته باشد می‌کنند. گنج‌یابان در این راه از کمک‌های «هجا»^۵‌ها که متخصص دعا و طلسم هستند استفاده می‌کنند.

جورج فاستر^۶ انسان‌شناس مشهور امریکایی نیز یکی از پیشگامان مطالعات انسان‌شناختی گنج در جهان است. او یک‌بار در سال ۱۹۶۴ مقاله‌ای دربارهٔ داستان‌های گنج در میان اهالی

1 Johannes Dillinger

2 Magical Treasure Hunting in Europe and North America

3 Onder Celik

4 Life Underground: Hunting for Armenian Treasure in a Post-Genocide Landscape

۵ Hoca در ترکی استانبولی برگرفته از واژهٔ فارسی «خواجه‌ام» است که بعدها به شکل «خجام»، «هجام» و «هجا» در آمده، در ترکیه به افراد بزرگ‌تر و به نشانهٔ احترام گفته می‌شود. برای نمونه دانشجویان عموماً به استادشان هجام می‌گویند. اما معمولاً این واژه برای روحانیون دینی کاربرد دارد. همچنین کسانی که با علوم غریبه و... سر و کار داشته باشند، هجا خطاب می‌شوند.

6 George Foster

روستای تزنتروتزان مکزیک نوشت و چند سال بعد (۱۹۷۱) در مقاله‌ای دیگر با بسط دیدگاهش، نظریه «خیر محدود» را مطرح نمود که بعدها در مطالعات انسان‌شناسی و علوم اجتماعی کاربرد فراوانی یافت. او در این مقالات بیشتر به دنبال نشان دادن این نکته است که در جوامع با اقتصاد بسته، هر کسی که پول‌دار شود سریعاً برچسب «گنج‌یابی» به او می‌زنند؛ چرا که در این جوامع از راه‌های قانونی و به‌طور طبیعی دسترسی به ثروت کار بسیار دشواری است و گنج‌یابی، ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین پاسخی است که اهالی یک روستا به هم‌ولایتی تازه‌پولدارشان می‌توانند بزنند.

تا همینجا مشخص شده که پژوهش حاضر بیش از آنکه به پیشینه پژوهشی انجام‌شده در ایران نزدیک باشد، به پیشینه پژوهشی انجام‌شده در کشورهای دیگر که با نگاهی انسان‌شناختی و روشی مردم‌نگارانه انجام شده باشد نزدیک خواهد بود؛ به‌ویژه به دو پژوهش دلینگر و چلیک که در آنها به شیوه‌های به‌کارگیری جادو و ملحقاتش در گنج‌یابی پرداخته شده است.

چارچوب نظری: گنج‌یابی به مثابه فرایندی جادویی

همچنانکه اشاره شد، بخش زیادی از باورهای مردم مازندران درباره گنج و به‌ویژه دلایل ناکامی در گنج‌یابی، برگرفته از باورهایی است که ما در این پژوهش آنها را باورهای جادویی نامیده‌ایم. مسئله اصلی این پژوهش هم فهم چرایی حضور پررنگ باورهای جادویی در داستان‌های مربوط به گنج در مازندران است. بنابراین باید دید کدام‌یک از دیدگاه‌های انسان‌شناختی بهتر از بقیه می‌تواند به فهم این مسئله یاری برساند.

مرز میان دانش، جادو و دین یکی از نخستین موضوعاتی است که بزرگان انسان‌شناسی به آن پرداخته‌اند. جیمز فریزر (۱۳۸۳)، یکی از نخستین انسان‌شناسانی بود که به‌طور متمرکز و در کتاب «شاخه زرین» که عنوان فرعی «پژوهشی در جادو و دین» داشت، درباره مرز میان این‌ها توضیح داد. به باور او انسان‌ها ابتدا باور به جادو داشتند، سپس در دوره‌های بعدی به دین‌گرایی پیدا کردند و نهایتاً علم جایگزین دین می‌شود. او جادو را به‌عنوان نیروی کنترل‌کننده طبیعت، در برابر دین که عرصه اعتراف انسان به ناتوانی خویش و تلاش برای دلجویی از نیروهای برتر است قرار می‌دهد. بنابراین در بحث کنترل‌کنندگی طبیعت، جادو به علم و دانش

نزدیک‌تر است تا به دین. از نظر او اعمال جادویی سمپاتیک است. همچنین برخلاف دین که خواهش است، جادو الزام و اجبار می‌آورد.

درباره چستی جادو، مارسل موس در کتاب «نظریهٔ عمومی جادو» (۱۳۹۷) مفصل‌تر از دیگران بحث کرده است. ویژگی‌های جادو از نظر موس اینهاست: اینکه از نظر کلیت جامعه به عنوان جادو شناخته شود، مکان اجرایش عمومی نباشد، نابهنجار تلقی شود، نقشی در کیش‌های سازمان‌یافته نداشته باشد، رازآلود و محرمانه باشد، به برخی مشاغل و حرفه‌ها یاری می‌رساند (موس. ۱۳۹۷: ۱۹-۴۱). کاربست تک تک این ویژگی‌ها را در بخش یافته‌های این پژوهش خواهیم دید.

برانیسلاو مالینوسکی هم در کتاب «جادو، علم و دین» (۱۳۹۵) به هدف داشتن رفتار جادویی در برابر هدف بودن رفتار دینی اشاره دارد. او در جمع‌بندی دیدگاه‌های انسان‌شناسان پیش از خود، به‌ویژه کسانی که پس از فریزر به بررسی دیدگاه‌های وی پرداختند، خطوط اصلی این دیدگاه‌ها را چنین نشان می‌دهد:

علم از تجربه زاده می‌شود، ولی جادو از سنت. علم را منطق هدایت می‌کند و مشاهده تصحیح می‌نماید، جادو بی‌اعتنا به هر دوی اینها در فضایی رازآلود به بقای خود ادامه می‌دهد. علم همگانی و کالایی مشترک برای کل جامعه است؛ در حالی که جادو حالتی پنهانی دارد که طی مناسک رازآمیز تشریف آموخته می‌شود و به فرزندان یا حداکثر گروهی از نزدیکان به ارث می‌رسد. علم بر ادراک نیروهای طبیعی تکیه دارد، ولی جادو از تصور یک نیروی رازآلود و غیرشخصی که اکثر مردم بدوی به آن باور دارند سرچشمه می‌گیرد (مالینوسکی. ۱۳۹۵: ۸).

او سپس دیدگاه خودش را درباره نسبت میان علم و جادو بیان می‌کند. به باور مالینوسکی، تا هرکجا که امکان به‌کارگیری تجربه و دانش وجود داشته باشد، انسان ابتدایی از آن یاری می‌گیرد؛ اما هر کجا اثرات و رویدادها پیش‌بینی‌ناپذیر شوند، او برای کنترل کردن این اثرات است که به جادو متوسل می‌شود. او با بیان نمونه‌ای از شیوهٔ ماهیگیری در دهکده‌های پایا گینه‌نو در اقیانوسیه، نشان می‌دهد چنانچه ماهیگیری در دریاچه انجام شود که همه چیز پیش‌بینی‌پذیر است، این فعالیت بدون حضور و کاربرد جادو صورت می‌گیرد. اما چنانچه ماهیگیری در اقیانوس باشد که پرخطر است و میزان موفقیت در آن از پیش مشخص نیست، در کنار دانش و مهارت خود، از جادو نیز استفاده می‌کنند. به سخن دیگر:

«هرگاه تجربه به او آموخته باشد که تلاشی که دانش آنرا هدایت می‌کند او را به نتیجه می‌رساند، هیچ‌گاه این تلاش را رها نمی‌کند و دانش‌اش را نادیده نمی‌گیرد [...]». در عوض، او هر زمان که به ناکارآمدی دانش و فنون عقلانی خود پی ببرد، دست به دامن جادو می‌شود» (همان، ۱۷).

او سپس با اطمینان می‌گوید اگرچه این دیدگاه را بر پایه داده‌های مردم‌نگارانه خود در ملانزی بنیاد نهاده، اما به راحتی می‌توان آنرا با هر گزارش مردم‌نگارانه مدرنی که به این حوزه مرتبط باشد تطبیق داد. بر همین پایه است که باور داریم در این پژوهش نیز می‌توان کاربست باورها و رفتارهای جادویی مرتبط با گنج را درک کرد. حفاران غیرمجاز و گنج‌یابان تا آنجا که دانش و تجربه‌شان یاری دهد، از روش‌های منطقی برای دسترسی به گنج استفاده می‌کنند. اما هر کجا تجربه‌شان منتهی به یافتن گنج نشد، به سراغ باورها و رفتارهای جادویی می‌روند. در چنین بستری است که داستان‌های جادویی درباره دلایل ناکامی دستیابی به گنج شکل می‌گیرد.

تعریف مفاهیم

در اینجا بد نیست سه مفهومی که در این پژوهش زیاد به کار برده می‌شود را تعریف کنیم و نشان دهیم منظورمان از این مفاهیم چیست.

گنج: یک تعریف کوتاه از گنج را دیلینگر (۲۰۱۲: ۳) ارائه کرده است: «گنج، یک مخزن گمشده یا پنهان از آثار باستانی ارزشمند است». بنابراین حفاران همیشه به دنبال یافتن این مخزن پنهان هستند. ما در این پژوهش و به پیروی از باورهای عامه مردم، گنج را اشیاء ارزشمند متعلق به دوران‌های گذشته می‌دانیم که عموماً کوچک و بیشتر به شکل طلا و جواهر هستند و آگاهانه توسط عده‌ای متعلق به همان دوران‌ها یا در اثر گذر زمان و بلایای طبیعی، در زیر خاک یا بدنه آثار تاریخی و طبیعی (همچون غارها یا سنگ‌های بزرگ) مدفون و پنهان شده‌اند.

طلسم: اگرچه در مصاحبه‌های این پژوهش تقریباً همیشه از واژه «طلسم» استفاده می‌شد، اما باید دقت داشت که طلسم در اینجا دو معنی می‌تواند داشته باشد: طلسم به‌عنوان قدرتی ماورایی و جادویی که از گنج به روش‌های گوناگون محافظت می‌کند؛ و طلسم به‌عنوان دعا، ورد یا شیء جادویی که قدرت شکستن لایه محافظتی روی گنج را دارد. در این پژوهش ما

بیشتر بر طلسم نوع نخست تمرکز داریم. در مطالعات انسان‌شناسی و حتی فرهنگ عامه، عموماً طلسم به شیء مادی اطلاق می‌گردد که توسط شمن یا جادوگر برای اثرگذاری بر طبیعت و کنترل آن به کار می‌رود؛ یعنی مادیت طلسم مهم‌تر است (ونتورا، پوپر-گیون و ابوریعه.^۱ ۲۰۱۴؛ خسرونژاد. ۲۰۱۶؛ عزیزی‌فر. ۱۳۹۲). اما در مصاحبه‌های این پژوهش، طلسم عموماً اشاره به قدرت غیرمادی جادویی داشت. بنابراین ما برای تفکیک این دو از یکدیگر، جادو را بیشتر برای قدرت غیرمادی و طلسم را برای شیء مادی به کار می‌بریم.

باورهای جادویی: در این پژوهش هر کجا عبارت باورهای جادویی مربوط به گنج را به کار بردیم، منظورمان مجموعه باورهای مردم درباره وجود نیروهای ماوراءطبیعی در اطراف گنج‌هاست که وظیفه محافظت از گنج و دور نگاه داشتن آن از دست گنج‌یابان و انسان‌ها را دارند. این نیروها عموماً به شکل روح، جن، مردهٔ متحرک، مار، طلسم و... دیده یا درک می‌شوند. برای کنار زدن آنها باید از افراد خبره همچون دعانویس استفاده کرد تا آنها را رام کند یا طلسم را بشکند؛ عملی که معمولاً چندان موفقیتی در پی ندارد.

روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر عمدتاً بر پایهٔ روش‌های میدانی کیفی و انسان‌شناختی انجام شده است. اصلی‌ترین تکنیک‌های گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند عمیق و همچنین مشاهدات مشارکتی در برخی موارد بود. میدان پژوهش، همهٔ باورمندان به وجود گنج و امکان دستیابی به آن توسط دستگاه گنج‌یاب یا طلسم و دعا در استان مازندران بودند (شهرها و روستاهایی که مصاحبه‌ها در آنجا انجام شده، در جدول مصاحبه‌شوندگان آمده است). نمونهٔ آماری ابتدا به روش دسترسی ساده انتخاب شد و سپس با روش گلوله برفی گسترش یافت. یعنی گام نخست دسترسی به این افراد با معرفی آشنایان صورت گرفت و پس از جلب اطمینان و انجام مصاحبه، از آنها خواسته شد تا افراد دیگری را هم که می‌شناسند به پژوهشگران معرفی کنند. برخی از مصاحبه‌شوندگان، حفاران غیرحرفه‌ای‌اند. یعنی شغل دیگری دارند و گه‌گاه به‌واسطهٔ دلایلی که در ادامه بیان می‌شود، ممکن است دست به حفاری هم بزنند.

از شرق تا غرب استان مازندران محدوده جغرافیایی این پژوهش بود. هر همکار پژوهشی (که در واقع دانشجوی درس بررسی مسائل اجتماعی ایران، رشته مردم‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی دانشگاه مازندران بودند)، به فراخور مکان سکونت خود در این استان، روی آن بخش متمرکز شد. از آنجا که بیشتر همکاران اهل شهرستان بابل بودند، بنابراین بیشتر مصاحبه‌شوندگان هم از همین شهرستان انتخاب شدند. نکته دیگر اینکه گزارش‌های جداگانه برخی از همین همکاران، به‌عنوان داده‌های کیفی مورد استفاده نویسنده مسئول قرار گرفت؛ چرا که در دل نوشته‌های‌شان خاطرات شخصی و داستان‌های خانوادگی زیادی در این زمینه تعریف کردند و به صراحت می‌توان آنان را جزو باورمندان به وجود گنج و ارتباط آن با جادو دانست.

بیشتر مصاحبه‌ها در پاییز و زمستان (مخصوصاً ماه‌های آبان، آذر و دی) سال ۱۴۰۲ انجام شده است. معیار تعداد انجام مصاحبه‌ها در پژوهش‌های کیفی و از جمله انسان‌شناسی، رسیدن به اشباع نظری است؛ یعنی تا جایی که دیگر به یافته تازه‌ای نرسیم. در این زمینه از هر همکار پژوهشی خواسته شد به‌طور مستقل به اشباع نظری برسد. بنابراین با حجم زیادی از داده‌های مصاحبه‌ای روبرو شدیم که اعتبار و روایی پژوهش را بالا می‌برد. اما از دل بیش از یک‌صد مصاحبه، نهایتاً ۲۵ مصاحبه که اطلاعات عمیق‌تری داشتند گزینش شد و مورد استفاده قرار گرفت. در کنار آنها، از گزارش‌های ۳ تن از دانشجویان که بیش از بقیه گزارش‌های دانشجویی درباره باورهای جادویی خودشان در ارتباط با گنج نوشته بودند هم به شکل داده خام در این پژوهش استفاده شد؛ که مصاحبه‌های شماره ۲۶ تا ۲۸ را شامل می‌شود. آنها در واقع مصاحبه‌شونده نبودند، اما گزارش‌های مکتوب‌شان همچون داده‌های مصاحبه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. در متن پژوهش برای اشاره به این افراد از عبارت «اطلاعرسان» استفاده شده است. همه این گزارش‌های مستقل توسط پژوهشگر اصلی جمع‌شد و با تحلیل اولیه فایل مصاحبه‌ها و تحلیل ثانویه تحلیل‌های همکاران، گزارش نهایی تنظیم گردید.

فهرست مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	محل زندگی	وضع تاهل
۱	آقای م.ا.	۳۹	دهیار	کیاسر	متاهل
۲	آقای س.و.	۶۵	دیپلم (معلم بازنشسته)	ساری	متاهل
۳	آقای م.ا.	۵۳	کارمند بانک	ساری	متاهل
۴	اقای ز.م.	۳۶	کارشناسی افسری	بابل	متاهل
۵	خانم م.م.	۳۱	دیپلمه	موزیرج بابل	متاهل
۶	اقای ح.م.	۳۶	کارشناسی برق	موزیرج بابل	متاهل
۷	اقای ج.ق.	۳۵	سیکل	گنج افروز بابل	مجرد
۸	خانم م.ر.	۶۴	مقطع ابتدایی	میرکلا بابل	متاهل
۹	خانم ف.ن.	۷۱	چهارم ابتدایی	بنگرکلا بابل	متاهل
۱۰	اقای ز.ک.	۳۴	متوسطه دوم	معلم کلا بابل	متاهل
۱۱	اقای ع.ن.	۴۳	دیپلم	اهنگرکلا	متاهل
۱۲	اقای ر.ن.	۶۲	متوسطه اول	اهنگرکلا	متاهل
۱۳	اقای ج.ا.	۵۱	سوم ابتدایی	اهنگرکلا	مجرد
۱۴	اقای م.ن.	۹۲	پنجم ابتدایی	اهنگرکلا	متاهل
۱۵	خانم ص.ر.	۶۲	سوم ابتدایی	اهنگرکلا	مجرد
۱۶	اقای غ.ن.	۴۵	کارشناسی حقوق	اهنگرکلا	متاهل
۱۷	آقای خ.ز.	-	-	محمودآباد	متاهل
۱۸	خانم ن.ح.	۲۳	دیپلم	نور	مجرد
۱۹	آقای ش.د.	۶۰	دیپلم	نور	متاهل
۲۰	آقای م.س.	۵۵	-	نور	متاهل
۲۱	آقای ع.ف.	۵۰	دیپلم	کچور	متاهل
۲۲	آقای پ.ز.	۲۸	کارشناسی	نوشهر	مجرد
۲۳	آقای ح.ز.	۲۵	کارشناسی	نوشهر	مجرد
۲۴	آقای ح.خ.	۳۹	دکتر	چالوس	مجرد
۲۵	خانم م.ر.	۲۱	سیکل	متل قو	مجرد
۲۶	خانم	۲۲	دانشجوی کارشناسی	محمودآباد	مجرد
۲۷	خانم	۲۲	دانشجوی کارشناسی	نور	مجرد
۲۸	آقا	۲۲	دانشجوی کارشناسی	کیاسر	متاهل

یافته‌ها و بحث

مازندران در شمال ایران، در طول تاریخ از یک‌سو با دریای مازندران و از سوی دیگر با رشته کوه البرز، مکانی امن و دور از دسترس بود. برای همین خیلی از حکومت‌های مدعی محلی (همچون پادوسپانان، زیدی‌ها و مرعشیان) آنجا را مکانی امن برای حضور و فعالیت خود می‌دیدند. بنابراین بر روی بسیاری از قلعه‌ها، در دل بسیاری از نقاط جنگلی، در کنار بسیاری از چشمه‌ها و... می‌توان آثاری از دژها، کاخ‌ها، آرامگاه‌ها و دیگر بناهای این حکومت‌ها را دید. این حضور گسترده حکمرانان محلی، گمانه‌ها درباره وجود ثروت‌های به‌جا مانده از آنها را در پی داشت. در برخی از منابع تاریخی به وجود گنج در این استان اشاراتی شده است (برای نمونه: مرعشی. ۱۳۶۴؛ ابن اسفندیار. ۱۳۶۶. هر دو به نقل از خلیلی و رضایی. ۱۳۹۸). اما جلوتر که می‌آییم، در منابع به باور به وجود گنج در میان مازندرانی‌ها اشارات آشکارتری می‌بینیم (برای نمونه: مکنزی. ۱۳۵۹؛ رابینو. ۱۳۶۵). هر دو این سفرنامه‌نویسان اروپایی در دوران قاجار در ایران بودند. رحمانیان و حاتمی (۱۳۹۱) بر این باورند که باور به طلسم در دوره قاجار گسترش زیادی در ایران یافت و عموماً فعالیت‌های مربوط به طلسم در حوزه زنان تلقی می‌شد. با این همه به نظر می‌آید باور به طلسم در فرهنگ ایران پیشینه‌ای دراز دارد. طلسم در گذشته ایران نوعی علم و زیرمجموعه «لیمیا» قرار می‌گرفت. واعظ کاشفی، از علمای اواخر دوره تیموری (نیمه دوم سده نهم هجری) در کتاب «اسرار قاسمی» (بی‌تا) مفصل به این بحث می‌پردازد.

به هر ترتیب، باورهای جادویی درباره گنج در مازندران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- نشانه‌های جادویی وجود گنج و ۲- موانع جادویی در دسترسی به گنج.

در ادامه و با بیان هر دسته از باورها و داستان‌ها و تحلیل‌شان، تفاوت‌های میان این دو دسته بیشتر مشخص می‌شود؛ اگرچه بلافاصله باید افزود که کشیدن مرز و خط دقیق میان این دسته‌ها چندان امکان‌پذیر نیست و همانگونه که در ادامه خواهیم دید، گاهی یکی از این باورها ممکن است در بیش از یک دسته بگنجد.

نهایتاً باید اشاره کرد که این باورهای جادویی مربوط به گنج، در میان بیشتر مصاحبه‌شوندگان پذیرفته شده بود. یعنی آنها به وجود چنین امور جادویی‌ای دربارهٔ گنج‌ها باور داشتند. همانگونه که موس می‌گوید:

«جادو تنها باید به چیزهایی اطلاق شود که همهٔ جامعه، و نه فقط یک بخش از آن، آنها را جادویی می‌داند. با این حال به این مسأله هم وقوف داریم که برخی از جوامع تصورات چندان منسجمی از جادو ندارند و اگر هم داشته باشند آن انسجام به تدریج حاصل شده است» (موس، ۱۳۹۷: ۲۵).

۱- نشانه‌های جادویی وجود گنج

در سال‌های اخیر، عموماً برای فهمیدن اینکه در چه نقطه‌ای گنج وجود دارد، از دستگاه‌های گنج‌یاب استفاده می‌کنند. این دستگاه‌ها که در اصل فلزیاب هستند، در بازار به فراوانی در دسترس است و بسته به دقت و عملکردشان از حدود ۱۰ میلیون تومان تا ۷-۶ میلیارد تومان (در شهریور ۱۴۰۴) به فروش می‌رسند. اگرچه حساسیت این دستگاه‌ها به نوع و میزان فلزات ممکن است باعث شود جایی که فلزات پوسیده (همچون حلب یا میخ زنگ‌زده) و خاک غنی (همچون سنگ آهن) باشد هم هشدار بدهد و حفاران به گمان اینکه گنجی در اینجا نهفته است، بعضاً روزها مشغول حفاری در آن نقطه شوند. اما در کنار این روش، گاهی نشانه‌های دیگری هم برای وجود گنج بر می‌شمارند که در اینجا به نشانه‌های جادویی وجود گنج اشاره می‌شود. این نشانه‌ها می‌تواند شامل اینها باشد: دیدن روح یا جن در آن نقطه، سنگین بودن هوا و فضا، متصاعد شدن گاز از زمین، تغییر رنگ ناگهانی خاک، خواب‌نما شدن، پیشگویی یک شخص که مدعی اطلاع از امور فراطبیعی است (همچون برخی سادات و دعانویس‌ها که در ادبیات انسان‌شناسی می‌توان ایشان را جادوگر یا غیب‌گو نامید) و مواردی از این دست. چنین باوری مختص مازندران و حتی ایران نیست؛ آنگونه که دیپلینگر (۲۰۱۲: ۱۹۱) اشاره می‌کند، در اروپا و امریکای اوایل دوران مدرن، چنانچه کسی احساس می‌کرد که در جایی روح دیده، یکی از نخستین فرضیات این بود که آن روح، صاحب گنجی است که در آنجا پنهان کرده‌اند و برای محافظت از گنج در آنجا حضور دارد. در واقع گنج، حلقهٔ اتصال آن روح به جهان مادی بود. با این حال حفاران باور داشتند که با یافتن گنج، به روح سرگردان کمک می‌کردند که با

آرامش به جهان ابدی برگردد و رشتۀ اتصالش با جهان مادی برای همیشه قطع می‌شد. دیلینگر اینچنین ادامه می‌دهد که در دوران نزدیک‌تر و دهه‌های اخیر، گنج‌یابی تبدیل به دوقلوی باستان‌شناسی شده؛ بدین معنا که تلاش می‌کند به جای توسل به روح و طلسم، بیشتر از اصول و دانش باستان‌شناسی، البته در شکل آسیب‌زای آن استفاده کند. در همین دوران جدیدتر است که می‌بینیم مواردی همچون روح، به یک پدیده تمسخرآمیز تبدیل می‌شود که از توسل به آن در گنج‌یابی پرهیز می‌گردد (همان، ۲۰۲). البته برخلاف ادعای دیلینگر، همچنان در ذهن افراد باورمند به وجود گنج، عناصر و موجودات ورا طبیعی می‌توانند حضوری فعال داشته باشند. آنچه‌آنکه در ذهن شماری از گنج‌یابان ایرانی، اجنه که عموماً با اصطلاح «موکل» از آنها یاد می‌شود، نقش مهمی دارند. موکل، شخصیتی ماوراءطبیعی است که یار یا دوست یک واسطه انسانی قلمداد می‌شود و به او در غیبگویی و مداخلات ماوراءطبیعی یاری می‌رساند. در ادامه به دسته‌بندی عناصر ماورایی و جادویی وجود گنج در یک نقطه اشاره کرده‌ایم، اما باید دقت داشت در بسیاری از مصاحبه‌ها و روایت‌ها، هم‌زمان چند عنصر جادویی را در محل وجود گنج می‌بینیم. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ می‌گوید:

در دوران گذشته هنگامی که پادشاهان طلاهای ارزشمند خود را دفن می‌کردند، بر روی آن ورد و جادویی می‌خواندند تا کسی نتواند به آن دست پیدا کند. اگر هم به آن دسترسی پیدا کرد، در زندگی‌اش عاقبت به‌خیر نشود. در آنجا به دور گنج دفن‌شده ماری هست و هر وقت کسی بخواهد گنج را در بیاورد دور آن خمره گنج می‌پیچد. در آن مکان اجنه وجود دارد و در ورودی غارها گازهای مسمومی است که می‌تواند منجر به مرگ شود.

با این وجود، در ادامه تلاش شده چند نشانه جادویی و وراطبیعی مربوط به گنج به‌صورت تفکیک‌شده معرفی شود.

۱-۱. سنگینی فضا

در برخی مکان‌ها که افراد باور دارند گنجی در آنجا نهفته است، «سنگینی فضا» را احساس می‌کنند. سنگینی فضا معمولاً در حالت‌هایی توصیف شده که فرد با قرار گرفتن در آن موقعیت و بدون وجود علت خاص، دچار یکی از حالات سرگیجه، دشواری نفس کشیدن و لرزش یا تکان خوردن خارج از کنترل یکی از اعضای بدن می‌شود. افرادی که در موقعیت گنج چنین

احساسی به آنها دست می‌دهد، عموماً در آن لحظه از وجود گنج بی‌اطلاع هستند، اما پس از حس کردن این سنگینی یا خودشان متوجه می‌شوند یا بعدها که این فضا را برای دیگران توصیف می‌کنند، از زبان آنها می‌شنوند که به دلیل وجود گنج در آن نقطه بود که چنین فضایی را احساس کرده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ که خانمی ۲۱ ساله اهل مثل قو است خاطره‌اش در این زمینه را چنین بیان می‌کند: «حدوداً ۷ یا ۸ متری از منطقه‌ای که ان سنگ [نشانه‌ی گنج] بود رد شدیم. یک‌بار متوجه سنگینی فضا شدیم. احساس سرگیجه به هر جفت ما دست داد و سعی کردیم سریعاً از آن محیط خارج شویم». اطلاع‌رسان شماره ۲۷ هم که دختری اهل نور است در این زمینه نوشته بود:

وارد محل [حفاری‌شده] شدم. عکسم را گرفتم. فیلم هم گرفتم. وقتی به خانه برگشتم و فیلم‌ها را پلی کردم، یک اتفاق عجیب افتاد و خیلی ترسیدم. فیلم طوری نشان می‌داد که من همی دستم را تکان می‌دهم، ولی اینگونه نبود؛ من در حال گرفتن فیلم، دستم ثابت بود. به باور این اطلاع‌رسان، محیط حفاری‌شده که شایعه شده بود گنج بزرگی از آنجا به‌دست آمده آنچنان «سنگین» بوده که روی بدن و حرکات دست و پا اثر می‌گذاشته است.

۱-۲. جن و روح

دیدن شیخ، روح، جن یا موجودی که فکر می‌کنند نوعی جن است (مثلاً آدم بی‌سر) در بیشتر روایت‌های مربوط به گنج، حضور دارند. این موجود عموماً با آشکار شدن گاه و بیگاهش باعث می‌شود دیگران بفهمند در آن نقطه احتمالاً گنجی وجود دارد. اما چنانچه برای دست‌یابی به آن گنج تلاشی صورت بگیرد، آن موجود به مقابله با گنج‌یابان برخاسته و عموماً باعث آسیب رساندن به ایشان می‌شود. البته گاهی اوقات هم تلاش می‌شود با دعا و طلسم، قدرت آسیب‌زایی این موجودات را از بین ببرند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ که مردی اهل محمودآباد است، در این باره می‌گوید: «طلسم‌ها واقعاً وجود دارند و چند دسته هستند: دسته اول طلسم‌هایی مثل جن و ارواح خبیثه که افرادی که در این کار خیره هستند این طلسم را می‌شکنند». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۲۶ که دختری اهل محمودآباد است می‌نویسد:

در یکی از خانه‌های قدیمی روستای مان، یکی از دخترها در ایوان خانه یک زن بدون سر دیده بود. [آن] خانه بسیار سنگین بود. [پدر آن دختر] یک کتاب‌بین آورد و به او گفت من چرا

نمی‌توانم این گنج را بگیرم؟ کتاب‌بین گفت یکی از نسل‌های تو به این گنج می‌رسند، اما این گنج قسمت تو و پسرش نیست. شاید بچه‌های پسرش به این گنج برسند. اما تو نمی‌توانی و تلاش تو بیهوده است. هر بار که سمت گنج بروی و دست به حفاری بزنی اتفاق بد و ناگواری برایت می‌افتد.

همین اطلاع‌رسان در جایی دیگر توضیح می‌دهد:

پدربزرگ مادر خودم از وجود گنج در خانه‌شان به پسرش گفته بود. همه اعضای خانواده پدری‌ام جن را در خانه خود می‌دیدند. برای مثال دختر عمو گفته بود صدای پاهای‌شان را از بالای سقف می‌شنوم یا عروس خانواده در دوران نامزدی یک شخص سیاه پایش را می‌کشید و از روی تخت به زمین پرش می‌کرد. زمانی هم که خانه را داشتند بازسازی می‌کردند، در دیوار آن کوزه پیدا کردند.

البته برخی روایت‌ها حاکی از آن است که خود جن هم می‌تواند در صورت‌هایی دیگر ظاهر شود و دیگران را برای دست‌یابی به گنج راهنمایی کند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۵ که زنی ۳۱ ساله اهل بابل است، از حضور یک پیرمرد عجیب در خانه پدربزرگش به بهانه آب و نان خواستن سخن می‌گوید. این پیرمرد به پدربزرگش گفته بود زیر یکی از درختان در روستای الله‌رودبار بابل، بشقاب طلائی دفن است که وسط آن کلمه الله نوشته شده و هر کسی آنرا به دست بیاورد، رزق و روزی‌اش تا ابد فراهم است. اما پدربزرگ به این حرف توجهی نکرد. آن پیرمرد چند روز در خانه آنها ماند و به یکباره غیب شد. برای همین فهمیدند که او یک جن بوده است. البته منطق این روایت با منطق دیگر روایت‌های مربوط به اجنه محافظ گنج هم‌خوان نیست. با توجه به اینکه برخلاف دیگر روایت‌ها، عناصر این روایت هم متفاوت است (برای نمونه، در روایت‌های دیگر جن‌ها نه برای مدتی طولانی آشکار می‌شوند، نه هم‌نشین انسان‌ها می‌شوند و نه آب و غذا می‌خواهند)، بنابراین می‌توان این روایت را یک استثنا به شمار آورد که در آن با شخصیتی مرموز و پیام‌آورنده غیبگو روبرو هستیم.

۱-۳. مار

دیگر عنصری که در روایت‌ها به فراوانی به حضورش در اطراف گنج اشاره شده، مار است. به نظر می‌آید ریشه واژه مار که در زبان پهلوی به همین شکل و در زبان سنسکریت به شکل

«مارا» بوده، به معنای کشنده و میراننده است. در حالی‌که این واژه در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی همچون مازندرانی و گیلک، به معنای مادر، یعنی نماد زندگی‌بخشی و زایش است. این تعبیر زاینده‌گی با نماد خدای درمان در اساطیر یونانی که به شکل مار بود و به همین دلیل در نماد داروخانه‌ها هم می‌بینیم، هم‌خوان است. در افسانه گیل‌گمش هم مار با ربودن گیاه بی‌مرگی و پوست انداختن، به جاودانگی دست می‌یابد. حتی در برخی یافته‌های باستان‌شناسی نیز، نقش مار به‌عنوان نگهبان درخت حیات آمده است (عالی، ۱۳۹۰). بنابراین طبیعی است که در دیدگاه مردمان، نگهبان گنج هم باشد. همانگونه که اشاره شد، در اساطیر و فرهنگ‌های باستان مار موقعیت‌های متضاد دارد: هم کشنده و هم زاینده است؛ هم رایندهٔ جاودانگی و هم نگهبان آن است. این دوگانگی‌های مار را می‌توان باز هم تعمیم داد: او در مرز میان رو و زیر زمین زندگی می‌کند؛ در شکاف‌ها و سوراخ‌های میان این دو سطح. زیر زمین اگر نماد مرگ باشد و روی آن نماد زندگی، مار میان این دو می‌خزد. همچنین دست و پا نداشتن مار آن را به موجودی در مرز جانوران و موجودات فراطبیعی قرار می‌دهد؛ انگونه که در فرهنگ چینی، اژدها همان ماری است که دست و پا و بال دارد (همان). در ادبیات فارسی هم ترکیب «پری‌مار» برای معشوقان زیبارو و سیاه‌دل نیز همین دوگانگی را به ذهن متبادر می‌کند. (اتونی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، از روزگاران کهن، مارها با جادوگری پیوند داشته‌اند (همان). برای نمونه، نخستین بار در شاهنامه با مار در داستان کشف آتش توسط هوشنگ روبرو می‌شویم. فضایی که فردوسی برای مار توصیف می‌کند، بیشتر به این معنا نزدیک است که مار جادویی است که با حضور او آتش کشف شده است. دومین بار آنجاست که از شانهٔ ضحاک مار می‌روید... ضحاک در شاهنامه با صفت «جادوگر» توصیف شده است (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۰).

بنابراین جادویی تصور کردن حضور مار در اطراف گنج هم غیرطبیعی نیست. هم در ادبیات فارسی و هم در داستان‌های عامیانه، مار نگهبان گنج است (ایاز و موسوی سیرجانی، ۱۳۹۷). بنابراین در باورهای مردم مازندران درباره گنج نیز مار به فراوانی به‌عنوان نگهبان گنج به چشم می‌خورد. مصاحبه‌شونده شمارهٔ ۸ که خانمی ۶۴ ساله اهل روستای میرکلای بابل است، درباره روستای شیخ‌محله بابل داستانی روایت می‌کند که بر پایهٔ آن، عده‌ای حفار، پس از سه سال در این روستا به گنجی می‌رسند که شامل یک دیگ طلایی پر از سکه، یک سپر جنگی طلایی و یک شمشیر طلایی است؛ اما پیش از آنکه گنج را از دل زمین خارج کنند،

متوجه می‌شوند که ان گنج طلسم دارد و طلسم ان مار بزرگی است که دور دیگ طلا و مابقی گنج‌ها پیچ خورده بود. اطلاع‌رسان شماره ۲۷ درباره نگهبانی مار از گنج خانه اجدادی‌اش اینچنین توضیح می‌دهد:

عموی مادرم در جوانی خود دست به حفاری زد در قسمت حیاط خود و ماری او را دنبال کرد. از اینجا بود که متوجه شدند گنج طلسم بدی دارد [و] شاید با گرفتن گنج، جان خود را از دست بدهد. بار دیگر دست به حفاری زد دید هیچ خبری از مار نیست. با یک حفار صحبت کردند. حفار گفت گنج شما در حیاط دائماً می‌چرخد و جای ثابتی ندارد، ولی از حیاط شما بیرون نمی‌رود.

البته مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ به دنبال ارائه پاسخی منطقی و غیرجادویی درباره حضور مار در اطراف گنج است و می‌گوید: «اینکه مار روی گنج می‌خوابد دلیل بر این نیست که محافظ آن گنج است، بلکه مار از جای گرم و خشک خوشش می‌آید. به همین دلیل روی گنج می‌خوابد». استدلال وی این بود که وجود گنج باعث گرم و خشک شدن آن نقطه از خاک می‌شود.

مارهای نگهبان که در این روایت‌ها به آنها اشاره شده، در داستان‌های عامیانه مربوط به گنج در اروپای آغاز دوران مدرن نیز حضور دارند (دیلینگر، ۲۰۱۲: ۲۰۵).

۴-۱. گازهای خطرناک

گازهای خطرناک و بعضاً کشنده هم اگرچه از نشانه‌های وجود گنج در یک نقطه‌اند، اما عموماً پس از حفاری متصاعد می‌شوند و برای همین در بخش بعدی این پژوهش به روایت‌های آنها اشاره می‌شود. تنها در یکی از روایت‌ها بدون اینکه حفاری‌ای صورت گرفته باشد، اثر این گازها احساس می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ در ادامه خاطره‌اش درباره سنگینی فضا و سرگیجه‌ای که دچارش شدند (و بالاتر به آن اشاره شد) می‌گوید:

این موضوع را بعدها برای کسی که در این کار ماهر بود تعریف کردیم [...] پاسخ داد که همه این موضوعات طلسم اجنه، خرافاتی بیش نیست و شما به این دلیل دچار سرگیجه و حال بد شدید که در زیر خاک‌های آن منطقه مقدار زیادی طلا وجود دارد و در نتیجه ترکیب شدن خاک و طلا، یک گازی از طلا خارج می‌شود که بسیار خطرناک و در مواقعی کشنده است و

این گاز با مقدار اندک طلا در زیر خاک ایجاد نمی‌شود، بلکه حتماً باید مقدار خیلی زیادی طلا زیر خاک باشد که چنین گازی ایجاد شود.

همانگونه که می‌بینیم، برای این پدیده هم مانند حضور مار بر روی گنج، تلاش شده دلیل منطقی و غیر جادویی بیان گردد.

۱-۵. خواب‌نما شدن

گاهی افراد به‌واسطهٔ دیدن خواب، فکر می‌کنند محل گنج را دریافته‌اند و به حفاری مشغول می‌شوند. حتی اطرافیان چنین فردی نیز ممکن است مجاب شوند که در آن مکان گنجی وجود دارد و به حفاری مشغول شوند. در اخبار روزنامه‌های سال ۱۳۲۴ می‌خوانیم که شخصی توسط ژاندارمری سوادکوه هنگام تلاش برای فروش اشیاء باستانی بازداشت می‌شود. او در اعترافات خود مدعی شد در پی خواب پسر بیچهٔ هشت ساله‌اش، محلی را حفر کرده و آن اشیاء را یافته است (خلیلی و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۷۳). هیچ نشانه‌ای از راستی آزمایشی این ادعا در دست نیست. اما باور به پیدا کردن مکان گنج با خواب‌نما شدن در مازندران رایج است. برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان که زنی میان‌سال است می‌گوید:

شبی در خانهٔ پدرم خواب دیدم که یک میمون بالای دیوار ایستاده و به من اشاره می‌کند بیا و با زبان اشاره می‌گوید اینجا را بکن و اگر به کسی بگویی گردنت را می‌برم. فردای آن شب برای مادر و خواهرانم تعریف کردم و به باغ رفتیم. تنها بودم و احساس کردم همان میمون پشت من ایستاده و می‌خواهد خفه‌ام کند. چشمم را بستم و بسم‌الله گفتم و به سمت خانه دویدم. پسر بعد ازدواج خیلی برای گرفتن [آن] گنج تلاش کرد. مدام کتاب‌بین، حفار، کسانی که دستگاه داشتند را به خانه‌مان می‌آورد. همهٔ اعضای خانواده خواب بد می‌دیدند. انگار که اتفاق ناگواری قرار بود بیفتد.

۱-۶. نشانه‌های طبیعی نامتداول

تا اینجا به نشانه‌های جادویی وجود گنج در یک نقطه اشاره شد. این نشانه‌ها عموماً در نزدیکی محل زندگی افراد بود. اما دربارهٔ جاهایی که دور از محل زندگی انسان‌ها باشد، به‌ویژه در کوه و جنگل و طبیعت، هر شکل غیرطبیعی یا کمتر دیده‌شده می‌تواند نشانه‌ای از وجود

گنج باشد. سنگی بزرگ در جنگل، درختی تنها در کوه، خاکی که رنگش فرق داشته باشد، سنگی که روی آن چیزی شبیه علامت دیده شود، سنگی که شبیه حیوان یا عضوی از بدن انسان و حیوان باشد و اشکال مشابه دیگر. اگرچه اینها نشانه‌های جادویی نیست، اما به دو دلیل بدون اشاره به این نشانه‌های طبیعی ممکن بود بحث ناقص بماند: نخست اینکه در برخی فرهنگ‌ها (همچون مسائلی‌های مالزی) وجود همین نشانه‌های طبیعی نامتداول به معنای روح داشتن آن و احتمال آسیب‌زایی‌اش است (عریستانی. ۲۰۱۱). دوم، این نشانه‌های طبیعی نامتداول یکی از مهم‌ترین نشانه‌های مربوط به وجود گنج در باورهای مردم مازندران است. در تصویر شماره ۱، وجود یک برآمدگی خاکی در دل ارتفاعات لفور (سوادکوه) و در تصویر شماره ۲، وجود یک سنگ بزرگ در جنگل‌های کیاسر که سطح آن تخت بود، نشانه‌هایی از گنج تصور شده‌اند.



تصویر شماره ۱: وجود یک برآمدگی کوچک در ارتفاعات لفور سوادکوه، نشانه‌ای از وجود گنج تصور شده و آنرا حفاری کرده‌اند. (عکس از امیر هاشمی مقدم)



تصویر شماره ۲: سنگی بزرگ در جنگل‌های کیاسر که نشانه گنج تصور شده است.
(عکس از محمدمهدی ولی‌نژاد)

یکی از این نشانه‌های طبیعی نامتداول، وجود خاک سفید در زمین است که می‌تواند نشانهٔ گنج باشد؛ چرا که شاید این مربوط به «سفیدخانه» باشد. آنگونه که مصاحبه‌شوندهٔ شمارهٔ ۱ می‌گوید، سفیدخانه محلی در زیر زمین بوده که دور تا دور آن را با سنگ‌های بزرگ و مصالح محکم و سفت می‌ساختند تا در زمان جنگ و حمله یاغیان، تمامی داشته‌های ارزشمند مردم آن محل را به آنجا انتقال دهند. بنابراین بسیاری از مردم اگر جایی از زمین را ببینند که خاکش به نسبت خاک اطراف، سفید رنگ است، تصور می‌کنند گنجی زیر آن خاک پنهان است. اطلاع‌رسان شمارهٔ ۲۸ که خود سابقهٔ حفاری داشت، در بخشی از گزارش‌اش درباره این نشانه‌های غیر متداول اینگونه نوشته است:

ناگهان به سنگ بزرگی برخورد کردیم که در کنار یک درخت بزرگ گردو قرار داشت [...] به یک تخته سنگ بزرگ حدوداً ۲ متری برخورد کردیم که روی آن علامت ضربدر بود [...] می‌دانستم که هر جا با شرایط این چنینی سنگ بزرگی باشد که روی آن علامت ضربدر است، یعنی زیر آن سنگ یا در آن مکان گنجی وجود دارد [...] عجیب بودن سنگ‌ها اینگونه بود که روی هر کدام شکلی حک شده بود. روی یکی ماهی، روی یکی پرندهای که طبق گفته‌های ص.د [یکی دیگر از اعضای گروه حفاری غیرمجاز] شکل قو می‌باشد. به این دلیل که در نزدیکی رودخانه شکل شمایل اشکالی که به آب ربط دارند را حک می‌کردند. او با شناختی که از این اشکال پیدا کرده بود می‌گفت مثلاً آن شکل بالا با سه نقطه‌ای که به شکل مثلث می‌باشد، دارد به دم ماهی اشاره می‌کند. قطعاً زیر دمش چیزی هست. کنجکاو شدیم و رفتیم به سمت سنگ بزرگی که حدوداً ۷ متر بود و انتهای آن سنگ که شکل دم ماهی را حک کرده بودند. ص.د درست گفته بود. زیر این سنگ به عمق یک متر حفاری کرده‌اند. دقیقاً همان مکانی که ص.د گفته بود.

چلیک (۲۰۲۰: ۷) می‌گوید شاید در هیچ کجای کره زمین به جز کردستان ترکیه، مردم یک سنگ بزرگ و عادی، بدون هیچ نشانه‌ای را نشان از وجود گنج ندانند. او دلیل این کار را وجود تاریخی دفن‌شده (نسل‌کشی آرامنه در سال ۱۹۱۵) در این منطقه می‌داند. با این همه و علی‌رغم دیدگاه چلیک، به نظر می‌آید این پدیده در هر منطقه‌ای که مردم به گنج‌یابی علاقه و گرایش داشته باشند، دیده می‌شود.

۲. موانع جادویی در دسترسی به گنج

پیش از این اشاره شد که در باورهای مردم مازندران، هر گنجی می‌تواند یک نشانه عموماً جادویی و وراطبیعی داشته باشد که نسبت به نزدیک شدن به آن گنج هشدار می‌دهد و بنابراین بسیاری از افرادی که این نشانه‌های جادویی را می‌بینند یا درباره آن شنیده‌اند، از شدت ترس، به سراغ حفاری و دست‌یابی به آن گنج نمی‌روند. در اسناد تاریخی نیز به این موارد در مازندران برخورد می‌کنیم. اعتضادالسلطنه می‌نویسد: «یک غار بزرگ در نیم‌فرسنگی اسک قرار دارد، چنانکه اهل طمع و افاس گویند، گنج‌زر است و بعضی مردم ضعیف‌الرأی از خوف رنج

راه گویند طلسم است و محل خطر» (به نقل از خلیلی و رضایی. ۱۳۹۸: ۱۷۵). یعنی اعتضادالسلطنه حرف مردم دربارهٔ طلسم بودن این گنج را بهانهٔ تنبلی آنها دانسته است. با این وجود، چنانچه تصادفاً یا در اثر تلاش زیاد، کسی به این گنج‌ها دست پیدا کند، نیروهای جادویی مانع از استخراج این گنج‌ها می‌شوند. نهایتاً چنانچه فرد حفار به گنج دست یابد، دیر یا زود یا کشته می‌شود یا اتفاق ناگواری برای خود یا اطرافیانش رخ خواهد داد. بیشتر نیروهای جادویی که در بخش پیشین به آنها اشاره شد (همچون، جن، روح، مار، گاز) در اینجا نیز به‌عنوان مانع حضور دارند. در اینجا نیز با دسته‌بندی مهم‌ترین موانع جادویی دسترسی به گنج در روایات نمونه آماری‌مان، تلاش می‌کنیم تا حد امکان تفاوت‌ها و شباهت‌های‌شان را نشان دهیم. اگرچه دوباره تکرار می‌کنیم که مرز دقیقی میان این دسته‌ها نمی‌توان کشید.

۲-۱. طلسم:

گاهی اوقات نوع طلسم مشخص می‌شود (برای نمونه: طلسم جن)، اما بیشتر اوقات اشاره‌ای به نوع آن نشده و حتی گاه اصلاً ممکن است نامی از خود طلسم هم برده نشود. درباره این طلسم‌ها و نوع اثرگذاری‌شان، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ که مردی اهل محمودآباد است، می‌گوید: برخی از طلاها و گنج‌ها طلسمی داشتند مثل پرتاب تیر و یا گنج‌هایی بودند که طلسم آنها اینگونه بود که سنگی بود و اگر فرد یک سنگ را برمی‌داشت سنگ‌های دیگر فرو می‌ریختند روی سر آن فرد و او را می‌کشتند.

مصاحبه‌شونده شماره ۷ که مردی ۳۵ ساله و اهل اطراف بابل است هم تجربه‌ای از ترس‌اش نسبت به طلسم جایی که فکر می‌کرد گنج داشته بیان می‌کند:

کلنگ را از دوستم گرفتم و شروع کردیم به زدن اولین ضربه به پایهٔ پل [تاریخی محمدحسن خان بابل]. بعد از اینکه اولین ضربه را زدم، کلنگ از دسته شکست. به شدت ترسیدم، متوجه وجود طلسم شدم. طلسمی که با دستهٔ سخت کلنگ ان کار را کرد، حتماً اگر ادامه بدهم من را نابود خواهد کرد. دست از کار کشیدم و بی‌خیال گنج شدم. اما تا مدت‌ها بعد از آن به دنبال کسی می‌گشتم که بتواند طلسم ان را بفهمد.

مصاحبه‌شونده شماره ۶ که مردی ۳۶ ساله اهل بابل است، می‌گفت زمانی که خانه‌اش را به دلیل نیاز مالی پایین‌تر از نرخ بازار فروخته بود، خریدار که معامله خوبی کرده بود، یک جفت انگشتر عجیب به او هدیه داد. او توضیح داد که این انگشترها را در حفاری در قبرستان گبری‌های اصفهان پیدا کرده، یکی را در دست خودش کرد و دیگری را به مادرش داد. اما پس از چند روز هر دو نفر بیمار شدند و پزشکان علاج آنرا نفهمیدند. نزد دغانویس رفتند و او به آنها گفت که این انگشترها طلسم است و فقط باید در دست زن و شوهر باشد تا آسیب نرساند. بنابراین انگشتر را به مصاحبه‌شونده هدیه داد. مصاحبه‌شونده هم پس از چند وقت آن‌ها را به یکی از دوستانش که از انگشترها خوشش آمده بود هدیه داد و گفت این‌ها باید در دست زن و شوهر باشند. ۴۰ روز بعد، دوستش زنگ زد و گفت از روزی که انگشترها را دست‌شان کرده‌اند، هر روز با با زنش دعوا می‌کند و حالا فهمیده‌اند که دلیلش طلسم این انگشترهاست. بنابراین آنها را به مصاحبه‌شونده برگرداندند و او هم انگشترها را به آب انداخت؛ چون شنیده بود که طلسم هر چیزی در آب باطل می‌شود.

به‌طور کلی بر پایه روایت‌های مربوط به طلسم، مشخص می‌شود که باور این است که این طلسم‌ها یا در لحظه رسیدن به گنج عمل کرده و به گنج‌یاب آسیب می‌رسانند و یا پس از آنکه گنج‌یاب گنج را بیرون برده و خودش یا دیگران از آن استفاده می‌کنند. این باور به وجود جادو یا طلسم در محافظت از گنج هم باور و پدیده‌ای جهانی است. چلیک (۲۰۲۰: ۴) هم به باور به وجود طلسم بر روی گنج‌هایی که مردم شهر وان ترکیه فکر می‌کنند ارمنی‌ها زمانی در این منطقه پنهان کرده بودند، اشاره می‌کند. مقنی‌پور (۱۴۰۳) با نگاهی تاریخی و شناختی به پدیده طلسم در ایران دوره قاجار می‌نویسد چنین فهمی: «به ما امکان می‌دهد طلسم را کلیدی برای یک نظم معرفتی تلقی کنیم؛ نظمی که در آن حفاظت نتیجه کنش‌هایی برپایه عقلانیت نیست» (مقنی‌پور. ۱۴۰۳: ۳۲۷). این نگاه باعث می‌شود باور به طلسم را نه صرفاً از کنشی غیرعقلانی، بلکه به‌عنوان شیوه‌ای از شناخت و فهم روابط میان چیزها در نظر بگیریم.

۲-۲. جن

در بخش نشانه‌های جادویی وجود گنج، دیدیم که حضور جن یکی از پرتکرارترین عناصر جادویی در روایت‌های پاسخگویان بود. در اینجا صرفاً به بیان یک نمونه روایت اشاره می‌شود

که اگرچه مستقیماً به حضور جن اشاره نشده، اما در ادامه نشان داده می‌شود که اصل این داستان و روایت، بر پایهٔ بازدارندگی جن بوده است.

خانم مصاحبه‌شونده شماره ۹ که ۷۱ ساله و اهل روستای بنگرکلای بابل است، داستانی را دربارهٔ وجود گنج در روستای شان و رویدادهای جادویی در نگرانی از آن روایت می‌کند:

محلهٔ قلعه‌کتی روستای بنگرکلا، گنج‌خیزترین منطقه در روستای ماست. روزی یکی از اهالی این منطقه اسب خودش را گم می‌کند و کل روز را در تمام روستا به دنبال اسبش می‌گردد. نزدیک اذان صبح اسبش را در کنار چشمه‌ای در محلهٔ قلعه‌کتی پیدا می‌کند. نزدیک اسبش می‌شود که ناگهان می‌بیند، وسط چشمه هفت در باز شده است که وقتی به داخل آن درها نگاه کرد، انقدر زیبایی دید که حد نداشت. از آن درها وارد شد و دید داخل‌شان پر از سکه‌های طلاست. تا جایی که می‌توانست تمام جیب‌ها و لباس‌ها و حتی جوراب و کفش‌هایش را پر از سکه کرد. موقع برگشت ناگهان دید تمام هفت در بسته شد. کمی سکه از جیب‌هایش ریخته شد که یک در باز شد، اما تا زمانی که همهٔ هفت در باز نباشد نمی‌توانست از آن در عبور کند. سکه‌ها را کم کم از جیبش خالی کرد و یکی یکی درها باز شد تا زمانی که سکه‌ها را کامل از جیب‌ها و لباس‌هایش خالی کرد و همهٔ درها باز شد و توانست بدون ذره‌ای سکه از آن درها خارج شود.

این داستان دقیقاً شبیه داستانی است که مکنزی، نخستین کنسول انگلستان در رشت، دربارهٔ باورهای عامیانه مازندرانی‌های حدود ۱۷۰ سال پیش دربارهٔ گنج توضیح می‌دهد:

روزی چوپانی گوسفندان خود را برای حفاظت از طوفان در پای این گنبد [سلم و تور] می‌آورد و برای گذراندن وقت، زمین را با چوب‌دستی خود می‌کند. یک‌مرتبه دریچه‌ای آهنین باز می‌شود که قفل نبوده و از پلکانی که پشت دریچه بوده پایین می‌رود. در زیرزمین کوزه‌های زیادی می‌بیند که مملو از طلا و نقره و جواهرات بود. چوپان هر چقدر می‌تواند برمی‌دارد، ولی وقتی می‌خواهد خارج شود در بسته بوده و او متوجه می‌شود مادامی که این جواهرات و طلاها را سر جای خود نگذارد، اجنه‌ها نخواهند گذاشت خارج شود. بنابراین جواهرات را روی زمین می‌گذارد، اما در باز نمی‌شود و انگاه لباس‌ها و کلاه خود را در می‌آورد، ولی هنوز در بسته بود. بالاخره متوجه می‌شود که یکی از سکه‌های طلا در جوراب او افتاده است و بعد از اینکه سکه را در می‌آورد در باز می‌شود (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۲۶).

همانگونه که می‌بینیم، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های روایت مکزی با روایت زن سالخورده بابل، اشاره مستقیم به وجود اجنه در روایت مکزی است. در روایت‌هایی که در زیرتیرهای بعدی می‌آید نیز با اجنه به‌عنوان مانع روبرو هستیم.

۲-۳. جابه‌جایی و ناپدید شدن

در بسیاری از روایات، چنانچه شخصی محل دقیق وجود گنج را در نقطه‌ای پیدا کرده و آنجا را حفاری کند، به احتمال زیاد یا اثری از گنج نمی‌بیند و یا آثار به‌درد نخور از گنج را خواهد یافت. در این حالت، او متوجه می‌شود که یا گنج جابه‌جا شده و یا کلاً ناپدید شده است. این جابه‌جایی گاهی توسط اجنه محافظ صورت می‌گیرد. بنابراین، این دسته از روایت‌ها هم با روایت‌های دسته پیشین (جن به‌عنوان مانع دست‌یابی به گنج) هم‌پوشانی دارند. این روایت آنچنان در مازندران رایج است که برای نمونه، چند تن از اهالی روستای کمر بن بلده در پاسخ به پرسش یکی از پژوهشگران، هم‌زمان به این نکته که گنج‌ها جابه‌جا می‌شوند، اشاره کردند. اما در میان مصاحبه‌های انفرادی، به چند مورد اشاره می‌شود.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ که مردی ۵۵ ساله است، معتقد بود گنجی که در باغ پشت خانه‌اش نهفته است، محافظ دارد و هنگامی که زمین را می‌کنند، به نتیجه نمی‌رسند و یا در زمین کنده‌شده آب جمع می‌شود. تا بار بعدی که دوباره این کار را انجام دهند اجنه او را اذیت می‌کنند و به سر، صورت و پاهایش مشت می‌زنند و او تا چند وقت درد این کتک‌ها را متحمل می‌شود. به گفته این فرد، اجنه طلاهای زیرزمین را جابه‌جا می‌کنند و نمی‌گذارند که اینها به طلاها دست پیدا کنند. بنابراین در این روایت هم جن به‌عنوان مانع دسترسی به گنج دیده می‌شود.

همین شخص در روایت دیگری می‌گوید موقع کندن زمین باغش به توده‌ای از خاکستر برخورد که مابۀ تعجبش شد. آنها را به جای کود پای درخت‌ها ریخت. وقتی از دیگران در این باره پرسید، گفتند که آن خاکسترها براده‌های نقره هستند که زیرشان الماس پادشاهی است. وقتی دوباره به محل خاکسترها رفت، خبری از الماس نبود. فهمید طلسمش فعال شده. خواست با ذوب کردن خاکسترها آنها را به نقره تبدیل کند؛ اما خاکسترها هم ناپدید شده بود و فهمید کار اجنه بوده.

در این روایت هم، ناپدید کردن گنج کار اجنه بوده؛ یعنی هم‌زمان با هر دو عنصر جادویی به‌عنوان مانع دست‌یابی به گنج روبرو هستیم. کلا همانگونه که تاکنون چندین بار اشاره شده، تداخل در نقش‌آفرینی و اثرگذاری این عناصر جادویی در بسیاری از روایت‌ها دیده می‌شود. این جابه‌جایی جادویی گنج‌ها (همچون دیگر موانع) دو کارکرد مهم می‌تواند داشته باشد: نخست، برای ناکامی حفاران و گنج‌یابان که زمان و سرمایه زیادی را صرف این کار می‌کنند و باید پاسخگوی خانواده، دوستان و نزدیکان خود برای نتیجه فعالیت‌های‌شان باشند، توجیهی فراهم می‌آورد که گنج را یافتند، اما همین که داشتند به آن دست می‌یافتند، گنج جابه‌جا شد. از سوی دیگر، همانگونه که موس (۱۳۹۷) و مالینوسکی (۱۳۹۵) اشاره می‌کنند، آنرا در انحصار گروهی خاص (جادوگران در ادبیات انسان‌شناسی، و دعانویسان، طلسم‌شکنان و حفاران آشنا با این تکنیک‌ها) قرار می‌دهد. آنها با استناد به چنین روایت‌هایی، به دیگریانی که قصد ورود به این حرفه را دارند انداز می‌دهند که موفقیت در این کار نیازمند توانمندی‌های جادویی‌ای است که هر کسی به آن دسترسی ندارد.

۲-۴. تقدس

گاهی اوقات مردم باور دارند گنجی در یک مکان مقدس، به‌ویژه امام‌زاده‌ها وجود دارد؛ اما به دلیل تقدس آن مکان، به سراغ گنج نمی‌روند. البته گاهی هم اعتقاد دارند این کار دستبرد به دارایی‌های امام‌زاده است و باعث آسیب به آن فردی می‌شود که چنین کاری بکند. برای نمونه بر پایه باوری، در نزدیکی روستای سفیدکوه کجور، غاری هست که سکه‌های امام زمان در آنجا نگهداری می‌شود. اگر کسی موفق به یافتن آنها شود و چیزی از آنها بردارد، کشته خواهد شد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ که مردی ۵۵ ساله است و این نکته را به پژوهشگر می‌گوید، اضافه می‌کند که معمولاً این مکان‌ها از نظر حفاران پنهان می‌شوند و راه ورودشان را حفاران نمی‌توانند پیدا کنند؛ چرا که متعلق به امام زمان هستند.

توجیهات شبیه به این را در دیگر کشورها و دیگر زمان‌ها هم می‌بینیم. برای نمونه در گزارشی که از حفاری در کلیسای ونست‌مینستر انگلستان در سال ۱۶۳۵ در دست است، روایت می‌شود همین که به صندوقی در زیر زمین رسیدند، به یکباره طوفان وحشتناکی آغاز

شد که همه مشعل‌ها را خاموش کرد و حتی احتمال ویرانی کلیسا هم می‌رفت. بنابراین آنها وردی خواندند، دست از کار کشیدند و از انجا بیرون رفتند (دیلینگر. ۲۰۱۲: ۱۴۸-۱۴۷).

۲-۵. گازهای خطرناک

همانگونه که در بخش پیشین اشاره شد، حضور گازهای سمی در محل وجود گنج، می‌تواند از نظر باورمندان به آن دلیل به ظاهر منطقی و علمی (همچون تصاعد گاز به دلیل ترکیب طلا با خاک) یا جادویی (برای نمونه، تصاعد گاز به دلیل وجود طلسم) داشته باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۵ که زن ۳۱ ساله بابلی است، می‌گوید: «مردان [هنگام حفاری] کنار رودخانه‌ای در منطقه گنج‌افروز] متوجه وجود گازهای سمی در آن منطقه شدند و حدس زدند که این گاز طلسم گنج باشد». یکی از دانشجویان نیز در گزارش کلاسی‌اش نوشته بود: «دوستم که ۲۲ سال دارد، [با دوستانش] برای حفاری به روستای [...] می‌روند و وقتی نزدیک به یک متر و نیم حفاری می‌کنند، دوستم دچار گاز گرفتگی می‌شود و الان نصف صورتش ورم کرده و هر ماه آمپول می‌زند».

پژوهشی انسان‌شناختی (فاستر. ۱۹۶۴: ۳۹) نشان می‌دهد در مکزیک هم که داستان‌های عامیانه درباره گنج‌ها بسیار پر طرفدار است، هم به وجود ارواح نگهبان گنج‌ها باور دارند و هم به وجود گاز جیوه که با باز شدن محل گنج، ساطع می‌شود و کشنده است.

همه این موانع جادویی در محافظت از گنج را می‌توان زیر عنوان «محافظت تفویضی» قرار داد. در دوران اسلامی با گونه‌ای طلسم حفاظتی برخورد می‌کنیم که تفویضی است؛ یعنی حفاظت از یک مکان به طلسم تفویض شده است. یکی از مواردی که این طلسم‌ها مسئولیت حفاظت از آنها را داشتند، معادن و منابع شهر از دست اغیار بود (طاهری و معصومی خامنه. ۱۳۹۸). این شبیه‌الگوی طلسم و جادو برای محافظت از گنج است؛ با این تفاوت که در دوران اسلامی از قرار دادن طلسم توسط شخص یا گروهی معین در دیوار شهرها یا کنار خزانه خبر داریم، اما برای گنج‌هایی که امروزه مازندرانی‌ها باور به وجودشان دارند، فقط سایه و شبح این طلسم‌ها دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش باورهای مردم مازندران دربارهٔ وجود جادو (که عموماً در مصاحبه‌ها طلسم نامیده می‌شد) اطراف گنج‌ها را شرح دادیم و اشاره کردیم دو نوع جادو در این زمینه را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد: نخست، در واقع نشانه‌های جادویی در اطراف گنج است که به ما وجود گنج در یک نقطه را اطلاع یا در اصل هشدار می‌دهد که نزدیکی نشویم. دوم، جادوهایی که بر روی گنج هستند و اجازهٔ نزدیکی به آن را نمی‌دهند. خود این جادوها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- جادوهایی که مکان گنج را پنهان می‌کنند؛ ۲- جادوهایی که نگهبان خود گنج هستند. ویژگی مشترک هر دو دسته، مرگ‌بار یا دست‌کم آسیب‌زا بودنشان است. ضمن آنکه این جادوها باعث می‌شوند هر کسی نتواند به مکان گنج نزدیک شود؛ چنانچه نزدیک شد، نتواند آنرا استخراج کند؛ و چنانچه استخراج کرد، نتواند از آن استفاده کند؛ در نهایت، چنانچه از آن استفاده کرد، خیر و برکتی از آن نمی‌بیند و باعث نابودی خود یا خانواده‌اش می‌شود.

این باورها باعث می‌شود هر کسی به سراغ گنج‌یابی نرود و این حرفه در اختیار گروهی معدود و محدود باقی بماند؛ یعنی کسانی که مدعی‌اند دانش تخصصی برای شکستن این جادوها را دارند و می‌توانند نیروهای جادویی محافظ گنج‌ها را مهار کنند. از سوی دیگر، باور به وجود جادو در کنار گنج برای همین گروه حفاران و گنج‌بابان نیز کارکرد توجیهی دارد. تقریباً اکثر قریب به اتفاق تلاش‌های گنج‌یابان و حفاران با شکست مواجه می‌شود. بنابراین آنها می‌توانند شکست خود را با قوی بودن نیروهای جادویی محافظ گنج‌ها توجیه کنند. از این منظر، جادو نه برای تغییر واقعیت بیرونی، بلکه برای تغییر وضعیت درونی کنشگران عمل می‌کند. جادو نه تنها محدودیت‌های دانش و فناوری ما را موجه می‌سازد، بلکه از نظر روانی به کنشگران اعتماد به نفسی می‌دهد که با تمام توان در این موقعیت غیرقابل محاسبه و پیش‌بینی‌ناپذیر عمل کنند. این اعتماد به نفس بالا، از خلال روندهای جادویی، شانس موفقیت را بیشتر و احتمال شکست را کمتر می‌کند. مهمتر از همه آنکه جادو می‌تواند در فرآیندی (مانند گنج‌یابی) شکست‌های بی‌شمار را نه از ناتوانی و ضعف افراد (گنج‌یابان) بلکه به تقدیر و میل نیروهای جادوی منتسب نماید. یعنی شکست را یک خواسته و ارادهٔ ماورایی نیروهای

جادویی و طلسم‌ها تعبیر کند. این به معنای جلوگیری از سرخوردگی و میل به ادامه است. مهمتر از همه آنکه موفقیت یک گنج‌یاب هم نه یک تصادف، بلکه یک موهبت ماورایی و جادویی خواهد بود و علاوه بر موفقیت مادی، او را به یک نیروی ماورایی هم منتسب می‌کند. از این منظر، جادو و مقوله‌های وابسته در بستر گنج‌یابی را بهتر می‌توان تفسیر کرد.

همه اینها یک منطقی دارد و آن اینست که مسیر گنج‌یابی مسیر دشواری است که با منطقی و دانش روز نمی‌توان بر آن چیره شد. بنابراین منطقی جادویی را باید دخیل کرد؛ چه برای چیره شدن بر آن و چه برای توجیه ناکامی. با این وجود، خطرات روبرو شدن با این منطقی جادویی آنچنان برجسته است که کمتر کسی حاضر به روبرو شدن با آن است. البته از سوی دیگر، این میزان خطرناکی جادویی و طلسم‌های گنج، علاوه بر قابلیت‌هایی که برای توجیه روندها، اقدام‌ها و فعالیت‌های گنج‌یابان است، با خطرناک، غیرطبیعی و ترسناک نشان دادن ساحت گنج و گنج‌یابی، میدان را از رقبا خالی می‌کند؛ تا آنجا که حتی از خلال طلسم، گاهی گنج‌های یافته‌شده را هم سبب بدبختی افراد می‌دانند. از این رو، جادو از یکسو برای گنج‌یاب یک دستگاه تفسیری برای مواجهه با وضعیت عمیقاً مبهم و غیرقابل محاسبه فراهم می‌کند و از سوی دیگر میدان گنج‌یابی را برای متقاضیان بعدی مدیریت می‌نماید. به همین سبب جادو و طلسم فرآیند گنج‌یابی را از نقطه صفر و آغاز تا مصرف یافته‌ها یا توجیه شکست‌ها را در یک منطقی غیرعادی و غیرطبیعی تفسیر می‌کند. به گونه‌ای که هرکس نتواند جرأت و جسارت ورود به این حوزه را داشته باشد. به همین سبب میدان جادو میدان خواص خواهد ماند. در واقع تفکر جادویی آلترناتیو تفکر تحلیلی است، ولی خود دارای انتظام و منطقی منسجم است. در این شیوه اندیشیدن، دنیا نه تنها بر پایه قوانین مدنی یا عرفی، بلکه توسط نیروهای فراگیر و ماورایی که با هم ارتباط علی دارند اداره می‌شود که نیت و ذهنیت افراد را به نظامی ماورایی (کیهانی) مرتبط می‌کند و به این ترتیب دنیای عینی و ذهنی با هم متحد می‌شوند.

در نسبت میان این باورهای جادویی به وجود گنج و آسیب‌هایی که حفاران و گنج‌یابان به میراث فرهنگی و طبیعی مازندران (و کشور) وارد می‌کنند، می‌توان کفه ترازویی را در نظر گرفت که چنانچه باور به آسیب‌زا بودن طلسم‌ها و جادوهای محافظ گنج، قوی‌تر باشد، امکان دست‌درازی به آثار تاریخی و محیط زیست کمتر می‌شود؛ اما چنانچه کفه دیگر ترازو، یعنی باور به قوی بودن دعاها و طلسم‌های ویژه شکستن و کنترل کردن جادوهای محافظ گنج

سنگین‌تر باشد، جرأت و جسارت حفارها بیشتر شده و اقدام به تخریب و آسیب رساندن به بناهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی و محیط زیست می‌کنند. تجربهٔ زیستهٔ نگارندگان در مازندران نشان می‌دهد شوربختانه باورهای دستهٔ دوم به نظر قوی‌تر است و برای همین، تقریباً همهٔ بناها و آثار تاریخی که فاقد تاسیسات حفاظتی محکم بوده‌اند، مورد هجوم و آسیب توسط حفاران قرار گرفته‌اند. بنابراین به نظر می‌آید باورهای جادویی دربارهٔ محافظت و محافظان از گنج، اثرات کمی در پیشگیری از آسیب به آنها داشته است.

برای بررسی عمیق‌تر این موضوع پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر، بر فعالیت‌های جادویی حفاران در زمینه‌هایی همچون همراه داشتن طلسم و دعا یا کمک گرفتن از افراد حرفه‌ای که متخصص طلسم‌شکنی هستند (و در ادبیات انسان‌شناسی به‌طور کلی در دستهٔ جادوگران قرار می‌گیرند) تمرکز شود.

سپاسگزاری

بیشتر داده‌های میدانی این پژوهش، حاصل کارها و گزارش‌های کلاسی دانشجویان کارشناسی در درس «بررسی مسائل اجتماعی ایران» در نیم‌سال آموزشی نخست سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در دانشکده میراث فرهنگی دانشگاه مازندران است. به جز نویسنده نخست که استاد این درس بوده و نویسندگان دوم تا چهارم که بیشترین داده‌های این پژوهش از کارهای کلاسی ایشان بوده، لازم است از تلاش‌های دیگر دانشجویانی که در گردآوری داده‌های میدانی یاری رساندند (و به دلیل محدودیت نشریه در درج نام بیش از چهار نویسنده نمی‌شد نام همگی‌شان به‌عنوان نویسنده بیاید) از ایشان سپاسگزاری کرد. به ترتیب حروف الفبا خانم‌ها و آقایان: سکینه اسفندی، فاطمه اسماعیلی، غزل اسلامی، مطهره تورانی، فاطمه‌زهرا حسن‌زاده، کبری خالقی، روجا دیوی، فاطمه رضایی، سهیلا ساداتی، فاطمه شریفی، صاحبه عزیزاده، زری نامدارپور و محمد مهدی ولی‌نژاد.

فرم تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پژوهشی با نام «بررسی انسان‌شناختی زمینه‌ها و دلایل حفاری‌های غیرمجاز در محوطه‌های تاریخی مازندران» است که با استفاده از اعتبار گرنت پژوهشی نویسنده مسئول در دانشگاه مازندران انجام شد.

منابع

- اتونی، بهزاد (۱۴۰۲)، واکاوی دیگری از ترکیب «پری مار» در بیتی از حدیقه‌الحقیقه سنایی با بهره‌گیری از اساطیر و افسانه‌های عامیانه، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۵۷(۱): ۶۹-۸۳
- ایاز، حمید و موسوی سیرجانی، سهیلا (۱۳۹۷)، مفاهیم تمثیلی و نمادین مار در آثار حماسی، غنایی و عرفانی، *فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*، ۳۵(۱): ۵۳-۷۲.
- خلیلی، مهدی و رضایی، ایرج (۱۳۹۸)، شرحی بر اشیاء تاریخی به‌دست‌آمده از حفاری‌های غیرمجاز و کشفیات اتفاقی دو سده اخیر (از دوره قاجار تا پهلوی دوم) در مازندران، بر پایه اسناد مکتوب و روایت‌های عامیانه، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۳: ۱۰، صص: ۱۸۲-۱۶۵.
- رحمانیان، داریوش و حاتمی، زهرا (۱۳۹۱)، سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان ر عصر قاجار، *دوفصلنامه جستارهای تاریخی*، ۳(۲): ۲۷-۴۴.
- رضایی‌راد، مجتبی؛ تجری مودنی، زهرا؛ اسمعیلی، علی‌اکبر (۱۴۰۱)، مهم‌ترین مصادیق جرایم علیه میراث فرهنگی و تاریخی در سیاست کیفری ایران، *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، ۲(۵): ۶۴۱-۶۴۹.
- شاکری، ابوالحسن و خدابخشی، حسن (۱۳۹۰)، بررسی جرم حفاری و کاوش غیرمجاز، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۲: ۲، صص: ۸۴-۶۳.
- شفیعا، سعید. (۱۴۰۲)، *ارائه بسته تقنینی مجازات اقدامات غیرمجاز مرتبط با تجهیزات کاوش یا اکتشاف میراث فرهنگی* (۱۸۹۶۹). تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- طاهری، محمدمهدی و معصومی خامنه، دنیا (۱۳۹۸)، حفاظت تفویضی از شهرهای اسلامی در عجایب نگاری‌های مسلمانان در سده‌های میانه: کارکرد و صورت طلسم‌های شهری، *دوفصلنامه تاریخ علم*، ۱۷(۲): ۲۶۳-۲۹۱.
- عالی، فاطمه (۱۳۹۰)، مار در اساطیر و ادبیات فارسی، *بهارستان سخن*، ۱۷(۱۷): ۱۱۵-۱۳۰.
- عزیزی‌فر، امیرعباس (۱۳۹۲)، بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک عیار، حسین‌گرد و امیرارسلان)، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۵(۱): ۸۳-۱۰۰.
- غنی کله‌لو، کیوان (۱۳۸۸)، جرائم علیه میراث فرهنگی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، مرکز مطالعات توسعه قضایی.
- فریزر، جیمز (۱۳۸۳)، *شاخه زرین: پژوهشی در جادو و دین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
- کاشفی، واعظ (بی‌تا)، *اسرار قاسمی*، کتابخانه و موزه ملی ملک، نسخه خطی شماره ۳۰۹۰.
- مالینوسکی، برانیسلاو (۱۳۹۵)، *جادو، علم و دین*. ترجمه بهنام خلیلیان و مصطفی آقایی. تهران: جامی.

- محمدی، علی (۱۳۹۶)، تحلیل تقابل طاووس و مار در داستان رستم و اسفندیار، *فصلنامه کهن‌نامه ادب پارسی*، ۸(۱): ۲۵-۴۷.
- مقنی‌پور، مجیدرضا (۱۴۰۳)، طلسم و حفاظت: خوانشی انسان‌شناختی از آگاهی اسطوره‌ای در ایران دورهٔ قاجار، *نامه انسان‌شناسی*، ۲۱(۲)، ۳۲۱-۳۴۴.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال*، برگردان منصوره اتحادیه، تهران: گستره.
- موس، مارسل (۱۳۹۷)، *نظریه‌ی عمومی جادو*، ترجمه حسین ترکمن‌نژاد. تهران: مرکز.
- Arabestani, Mehrdad, and Juli Edo (2011). The Semai's response to missionary work: From resistance to compliance. *Anthropological Notebooks*. 17.3: 5-27.
- Blum, E. & Blum, R. (1970). *The Dangerous Hour: The Lore of Crisis and Mystery in Rural Greece*. New York: Charles Scribner's Sons.
- Celik, Onder (2020). *Life Underground: Hunting for Armenian Treasure in a Post-Genocide Landscape*, Thesis of doctora, Anthropology department, Johns Hopkins University.
- Dillinger, Johannes (2012). *Magical Treasure Hunting in Europe and North America*. Palgrave Macmillan, London.
- Foster, G. M. (1964). Treasure Tales, and the Image of the Static Economy in a Mexican Peasant Community. *The Journal of American Folklore*. 77, 39-44.
- Foster, G. M. (2017/ 1971). Peasant Society and the Image of Limited Good. In Cohen, Y. A. *Man in Adaptation: The Institutional Framework*. New York: Routledge. Pp: 298-311.
- Khosronejad, P. (2016). Modern Persian Amulets and Talismans: a century ethnographical survey on Persian Shiite sacred objects and material religion. *First international Conference on Amulets and Talismans in the Muslim World*. 19-20 May. Leiden University.
- Ventura, J." Popper-Giveon, A. and Abu Rabia, A. (2014). Materialized Beliefs: 'Industrialized' Islamic Amulets, *Visual Anthropology*, 3(2), 30-47.